

ضمایر سکایی (ختنی)

مهشید میرفخرایی*

محسن میرزایی**

چکیده

زبان سکایی (ختنی)، در مقایسه با دیگر زبان‌های ایرانی (اوستایی، فارسی باستان، پهلوی، و ...)، بسیار کمتر مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته؛ به‌ویژه آنکه در زمینه مطالعات این زبان، مبحث ضمیر همواره در حاشیه مباحث اسم و صفت بوده و بدین سان مهجور مانده است. پژوهش حاضر مبتنی است بر مقوله ضمیر در زبان ختنی، شامل اقسام ضمیر و جدول‌های مربوط بدان، حالت‌ها و ویژگی‌های صرفی آن، و مقایسه آنها با ضمیرهای زبان‌های ایرانی باستان، اوستایی، سنسکریت، فارسی باستان، سغدی و آسی.

کلیدواژه‌ها: زبان‌های ایرانی میانه شرقی، ختنی/سکایی، ضمایر ختنی، اقسام ضمیر، ویژگی‌های صرفی.

مقدمه

زبان سکایی یکی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی است. این زبان ختنی (Khotanese) و تمشقی (Tumshuqese) نیز نامیده می‌شود؛ زیرا، از نظر زبانی و جغرافیایی، قرابت ختنی و تمشقی چنان است که می‌توان آنها را گویش‌های مختلف از یک زبان دانست (Emmerick, 2009: 337). میرفخرایی، (۱۳۸۳: ۱۶). امروزه شهر ختن در استان سینکیانگ اویغور (Xinjiang Uygur)، غربی‌ترین استان چین، با مرکزیت اورومچی (Ürümqi)، در ۷۹/۵۴ درجه طول شرقی و ۳۷/۰۸ درجه عرض شمالی واقع است.

* استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی mahshidmirfakhraie@yahoo.com

** دانشجوی دکتری رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

mohsen311@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۰، تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۲

زبان ختنی تنها محدود به ختن نبوده و منطقه وسیع‌تری را شامل می‌شده است: از کاشغر به سوی شرق تا تمشق واقع در شمال صحرای تاکلاماکان؛ و ختن واقع در جنوب این صحرا. به دلیل قلت نوشته‌های به‌جا مانده از تمشقی، اطلاع کمتری از این گویش در مقایسه با گویش ختنی در دست است. آثار تمشقی از نظر زبانی کهنه‌ترند (تفضلی، ۱۳۷۸: ۳۶۵). دقیقاً نمی‌توان گفت که زبان ختنی از چه زمانی در این منطقه رایج بوده است. احتمالاً در ختن از نیمه دوم سده اول پیش از میلاد به این زبان تکلم می‌شده، اما دوره رواج این زبان را باید از سده سوم میلادی به بعد دانست (Emmerick, 2009: 337). بی‌شک گویش‌های سکایی دیگری نیز وجود داشته که امروزه از آنها نامی نیست (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۱۷). آثار به‌دست آمده از ختنی متعلق به سده هفتم تا دهم میلادی هستند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۴۱). در این آثار، نویسندگان زبان خود را ختنی نامیده‌اند؛ از این رو سکایی را ختنی هم نامیده‌اند (همان: ۲۷). نوشته‌های ختنی و تمشقی متعلق به سکاهایی است که یکجانشینی گزیده بودند اما، در خود متون، واژه «سکا» به چشم نمی‌خورد (بیلی، ۱۳۸۱: ۸۳۱). برخی نوشته‌های ختنی دینی و برخی غیر دینی هستند. نوشته‌های دینی ختنی مربوط به دین بودا، است و نوشته‌های غیر دینی متون پزشکی و داستانی و بازرگانی را در بر می‌گیرند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۲۷). آثار غیر دینی سکایی نیز رنگ و صبغه بودایی دارند (تفضلی، ۱۳۷۸: ۳۶۵).

پیشینه پژوهش

زبان سکایی (ختنی)، در مقایسه با دیگر زبان‌های ایرانی (اوستایی، فارسی باستان، پهلوی، و ...)، بسیار کمتر مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته؛ به‌ویژه آنکه در زمینه مطالعات زبان سکایی، مبحث ضمیر همواره در حاشیه مباحث اسم و صفت بوده و بدین‌سان مهجور مانده است. پژوهش حاضر مبتنی است بر مقوله ضمیر در زبان ختنی و مقایسه آن با زبان‌های ایرانی باستان، اوستایی، سنسکریت، فارسی باستان، سغدی و آسی، با اشاره‌ای کوتاه به هندواروپایی.

در زیر برخی پژوهش‌های انجام شده در این باره معرفی می‌شود.

کونو، در سه بخش: ۱. ضمائر شخصی (بدون جدول)، ۲. ضمائر اشاره، شامل سه جدول، و ۳. ضمائر موصولی و مبهم (بدون جدول)، ضمائر ختنی را، بدون بررسی تطبیقی، گاه با ریشه‌شناسی مختصر آورده است (Konow, 1932: 47-50). همو، در تحقیقات بعدی خود، این ضمائر را در چهار جدول، شامل ضمائر شخصی (یک جدول)، ضمائر اشاره

(سه جدول)، و ضمائر موصولی (بدون جدول)، بدون بررسی ریشه‌شناختی و تطبیقی، داده است (idem, 1949: 41-43).

درسدن ضمائر ختنی را در هفت بخش به اختصار فهرست کرده است: ۱. ضمائر شخصی ۲. ضمائر ملکی ۳. ضمائر شخصی متصل ۴. ضمائر اشاره ۵. ضمائر موصولی و پرسشی ۶. ضمائر مبهم و ۷. ضمائری که در اصل صفت هستند (Dresden, 1955: 411-413).
کومل در سه جدول ضمائر ختنی، سکایی باستان، اوستایی و سنسکریت را آورده است: ۱. ضمائر شخصی ۲ و ۳. ضمائر اشاره (Kümmel, 2008: 15).

امریک تعدادی از ضمائر ختنی را بدون جدول ذکر کرده و بخش ضمائر اشاره و موصولی را به اختصار آورده است (امریک، ۱۳۸۶: ۳۴۳ - ۳۴۴).

میرفخرایی (۱۳۸۳: ۶۹ - ۷۲) مقوله ضمیر را در سه جدول: اول شخص، دوم شخص و سوم شخص (خود شامل سه جدول) و برخی بررسی‌های ریشه‌شناسی ارائه کرده است. سپس ضمائر پرسشی، ربطی و نامعین را معرفی کرده است.

به فهرست بالا، واژه‌نامه برخی مقاله‌ها و تألیف‌های مرتبط با زبان ختنی را هم می‌توان اضافه کرد (← میرفخرایی ۱۳۸۸؛ Emmerick, 1967). فرهنگ ختن - سکا نیز به بررسی ریشه‌شناختی ضمائر، گاه به تفصیل و گاه به اجمال پرداخته است (Bailey, 1979).

اقسام ضمیر در زبان ختنی

ضمائر ختنی عبارت‌اند از ضمائر شخصی؛ ضمائر اشاره؛ ضمائر ملکی؛ ضمائر پرسشی، ربطی و نامعین (مبهم)؛ و ضمیر مشترک. ختنی حالت‌های صرفی را به ترتیب زیر حفظ کرده است: ضمائر شخصی شامل اول و دوم شخص، شمار مفرد و جمع، با سه حالت نهادی، رایی، وابستگی - برایی؛ و صورت‌های متصل غیرفاعلی. حالت بایی - ازی به کمک حالت‌های دیگر، عمدتاً حالت وابستگی - برایی، ساخته می‌شود (← همین مقاله، ذیل الف - ضمائر شخصی، ش ۴ و ۹). حالت ندایی کم‌استعمال است (← همین مقاله، ذیل الف - ضمائر شخصی، ش ۱۷).

در ختنی از ضمیر اشاره به جای ضمیر شخصی سوم شخص استفاده می‌شود (قس هندواروپایی، ایرانی باستان و سنسکریت). ضمائر اشاره سه نوع است: ساده (neutral)، اشاره به نزدیک (near) و اشاره به دور (remote). صورت ساده دارای دو جنس مذکر و مؤنث برای شمار مفرد است. جنس مذکر و مؤنث در شمار جمع، بجز یک استثنا، صرف همسان

دارد (← ذیل ب - ضمایر اشاره، ش ۲۷). صورت‌های مضاعف و پسونددار دارای دو جنس مذکر و مؤنث، و شمار مفرد و جمع است. شمار جمع مذکر و مؤنث با اندک اختلافی نسبت به هم در یک جدول صرف می‌شوند. گاه در صورت مضاعف ادغام رخ می‌دهد، مانند sei گونهٔ ادغام شدهٔ sātā (← جدول ۸). حالت‌های صرفی در هر سه نوع ضمیر اشاره عبارت‌اند از: نهادی، رای، وابستگی - برای، بایی - ازی، و دری. صرف ضمایر ملکی و ضمیر مشترک همانند صرف صفت است. ضمیر پرسشی گاه مانند صفت صرف می‌شود و گاه مانند ضمیر اشاره.

الف) ضمایر شخصی

ضمایر شخصی در دو گروه اول شخص و دوم شخص مفرد و جمع در جدول‌های ۱ - ۴ ارائه شده‌اند. شایان ذکر است توضیحات مربوط به حالت‌های صرفی هر یک از جدول‌ها در ذیل آن جدول آمده است.

جدول ۱. ضمایر شخصی، اول شخص مفرد

آسی	سغدی	فارسی باستان	سنسکریت	اوستایی	ایرانی باستان*	ختنی
ə	əzu <'zw>	adam	ahám	azəm	azam	aysu نهادی
---	---	mām	mám	məm	mām	ma muho رای
mən	məna <mn'>	manā	máma	mana	mana	mamā mamā وابستگی - برای
mə'h-əj	---	---	mát	maṭ	mat	mam jsā ma jsa/ā بایی - ازی
mə	mē <my>	-mai	me	mē moi	mai mā	mā متصل غیرفاعلی -m

۱. نهادی مفرد - در ختنی نو aysa, aysi/ā, ayse, a (برای نمونه‌های ختنی نو ← Dresden, 1955: 411-413) و در تمشقی asu آمده است. در ایرانی باستان *ajām* و در آسی æz هم آوانویسی می‌شود. در اینجا تنها صورت جدید آوانویسی آمده است.
۲. رای مفرد - در هندواروپایی *mēm* از *mē* صورت متصل، که پایانهٔ اسمی حالت رای (m-) به آن اضافه شده است (← Kent, 1953: 67). همین را در ایرانی باستان، اوستایی، سنسکریت و فارسی باستان داریم. در سغدی tāmā از tā حرف اضافه، و ضمیر

mā - (Gershevitch, 1961: 235 § 1632). در آسی، حالت‌های رای و وابستگی به جای هم می‌آیند.

۳. وابستگی - برایی مفرد - در ختنی همچنین amama, ma در هندواروپایی *me-me. nã در mana اوستایی و فارسی باستان، احتمالاً از حالت بایی متأثر است (Kent, 1953: 67). البته منشأ آن نامشخص است. اگر máma سنسکریت را از *mana بدانیم، m در máma در اثر همگون‌سازی پدید آمده است؛ اگر mana را از *mama بدانیم، n در mana در اثر ناهمگون‌سازی پدید آمده است (نیز ← Pokorny 1959: 702). *mabja ایرانی باستان، māvōya اوستایی، و máhyam سنسکریت برایی مفردند. در آسی حالت وابستگی در حکم پایه صرفی است؛ mən برایی مفرد است از mən وابستگی، و -ən.

۴. بایی - ازی مفرد - ختنی حالت بایی - ازی را ندارد؛ حالت وابستگی - برایی (ma ← شماره ۳) در حکم پایه صرفی به کار رفته و با حرف اضافه jsa «با»، حالت بایی - ازی را ساخته است. máyā سنسکریت و 'm'e-mə آسی، بایی مفردند. ۵. متصل غیر فاعلی، مفرد - در ختنی نو (a)m- و -ūm.

جدول ۲. ضمائر شخصی، اول شخص جمع

	آسی	سغدی	فارسی باستان	سنسکریت	اوستایی	ایرانی باستان*	ختنی
نهادی	maχ	māx <m'x>	vayam	vayám	vaēm	vayam (vajam)	buhu muhu/o
رای	---	---	---	asmān	ahma	ahmā	maha
وابستگی - برایی	maχ	māx	amāxam	asmākam	ahmākəm	ahmākam	māvu
بایی - ازی	'maχ- əj	---	---	asmát	ahmaṭ	ahmāt	muho jsa mihyau
متصل غیر فاعلی	nə	mən	---	nas	nō	nāh	nā/nu -m

۶. نهادی جمع - در ختنی، همچنین mihi/e, māhe, mihai, maha ضمیر اول شخص جمع، به صورت مؤدبانه، برای مفرد هم به کار می‌رود (Emmerick, 2009: 387). muhu.

ختنی، māx سغدی و maχ آسی از ایرانی باستان *ahmākam (وابستگی جمع) است. در آسی، ضمائر جمع متأثر از حالت اضافی جمع ایرانی باستان است. buhu احتمالاً از *vūžam مشتق شده، که از *vayam ایرانی باستان، زیر نفوذ *yūžam (اوستایی yūžəm)، تحول یافته است (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۷۰).

۷. رایبی جمع – در ختنی، همچنین muhu/o, mahu, mahā, mihi/ā, mahu. (← نهادی جمع، شماره ۶). در آسی، حالت‌های رایبی و وابستگی به‌جای هم می‌آیند.

۸. وابستگی – برای جمع – در ختنی، همچنین māju mānu, mā, māju از ایرانی باستان *ahmācāya. *ahmābja ایرانی باستان، ahmaibyā اوستایی، asmābhyam سنسکریت و *mahācāya آسی برای جمع‌اند.

۹. بایی – ازی جمع – در ختنی، همچنین mahā jsa, mu'hu jsa, mūhu jsa از حالت نهادی muhu و حرف اضافه jsa (← بایی – ازی مفرد، شماره ۵). *ahmā ایرانی باستان و asmābhis سنسکریت و *mahācāya آسی بایی جمع‌اند.

۱۰. متصل غیرفاعلی، جمع – در ختنی نو ām.

جدول ۳. ضمائر شخصی، دوم شخص مفرد

آسی	سغدی	فارسی باستان	سنسکریت	اوستایی	ایرانی باستان*	ختنی
di	təyu <tyw>	tuvam tuva	tvám	tūm tvəm	tuwam (tūwam)	thu uhu
dəw	təva <tw'>	---	táva	tavā	tawa (taṽa)	tvī
də'w-əj	---	---	tvát	ṭwaṭ	ṭyat	uhu jsa tvī jsa
də	ti <ty>	-tai	tē	tē	tai	tā te

۱۱. نهادی مفرد – در ختنی، همچنین tha, tham, thi, the, thā, thām. در دیگوری، du منفصل، از *tu (توردارسن، ۱۳۸۷: ۷۶۵).

۱۲. وابستگی – برای مفرد – tvī در ختنی، از *tava و ā از ادات تأکید. tivya در تمشقی، برای مفرد است (Kümmel, 2008: 15). *tabjah ایرانی باستان، taibyā/ō

اوستایی، *túbhyam* سنسکریت، و *də'w-ən* آسی برای مفردند. فارسی باستان صورت منفصل ندارد.

۱۳. بایی - ازی مفرد - در ختنی، *uhu jsa* و *tvī jsa* بر پایه *tvī / uhu* و حرف اضافه *jsa* ساخته شده است (← شماره ۴). *θwā* اوستایی، *tváyā* سنسکریت، و *id'e-mə* آسی بایی مفردند.

۱۴. متصل غیر فاعلی، مفرد - در ختنی نو *-e, -te, -ve, -ye*.

جدول ۴. ضمائر شخصی، دوم شخص جمع

آسی	سغدی	فارسی باستان	سنسکریت	اوستایی	ایرانی باستان*	ختنی
<i>f'i'maχ</i>	<i>šmāx</i>	---	<i>yūyám</i>	<i>yūžəm</i>	<i>yūžam</i> (<i>iūžam</i>)	uhu/o نهادی- رای
<i>f'i'maχ</i>	<i>šmāx</i> < <i>šm'x</i> >	---	<i>yušmákam</i>	<i>xšmākəm</i> <i>yūšmākəm</i>	<i>yūšmākam</i> (<i>iūšmākam</i>)	umāvu umānu umā/ā وابستگی- برای
<i>maχ-</i> <i>ɪf'əj</i>	---	---	<i>yušmát</i>	<i>yūšmat</i>	<i>iūšmat</i>	umyau jsa بایی- ازی
<i>wə</i> <i>wīn</i>	<i>fən</i> < <i>fn</i> >	---	<i>vas</i>	<i>vō</i>	<i>vah</i> <i>uáh</i>	<i>ū</i> <i>ā/ū(m)</i> متصل غیر فاعلی

۱۵. نهادی - رای جمع - در ختنی، همچنین *imi, imi, ama, umā*. نهادی جمع در سغدی و آسی متأثر از حالت وابستگی است (← شماره ۶). *uhu* رای مفرد و جمع (Emmerick, 2009: 388).

۱۶. وابستگی - برای جمع - *šmabīa, iūšmabīa* ایرانی باستان، *yūšmaoyō, yūšmaibyā* اوستایی، *yušmábhyam* سنسکریت، و *f'i'maχ-ən* آسی برای جمع اند.

۱۷. بایی - ازی جمع - در ختنی، *umyau jsa* از *umyau* از **ušmahu*؛ و حرف اضافه *jsa* (← شماره ۴). *umyau* و *umi* برای حالت ندایی نیز آمده است (Bailey, 1979: 37;) (Emmerick, 2009: 388). *šmā* ایرانی باستان، *yušmabhis* سنسکریت، و *f'i'maχ-imə* آسی بایی جمع اند.

۱۸. متصل غیر فاعلی، جمع - *wīn* آسی در حالت برای جمع است. احتمالاً *fən/tən* سغدی و *wīn* آسی از *t(ə)/w(ə)* و پایانه صرفی *n(ə)* باشد (نیز ← شماره ۳).

ب) ضمائر اشاره

در هندواروپایی و ایرانی باستان، از ضمیر اشاره برای ضمیر سوم شخص استفاده می‌شود. در ختنی نیز همین کاربرد وجود دارد. این ضمیر سه نوع‌اند: نوع اول از صورت‌های **(ai)tā* و **(ai)šā* ایرانی باستان است؛ نوع دوم شکل مضاعف شده نوع اول است؛ و نوع سوم با اضافه شدن پسوند *(t)āra* به ضمیر نوع اول ساخته می‌شود (قس سنسکریت *-anya-tāra*: دیگر). در جدول‌های ۵ - ۹ حالت‌های صرفی انواع ضمائر اشاره آمده و در ذیل هر جدول توضیحات مربوط به این حالت‌ها آورده شده است.

جدول ۵. ضمائر اشاره، نوع اول، مفرد مذکر

آسی	سغدی	فارسی باستان	سنسکریت	اوستایی	ایرانی باستان*	ختنی	
uij	xō/šō <xw/šw>	hau aita	ešās	aēšō	(ai)šah	šā	نهادی
---	šu <šu>	---	tām	təm	tam	ttu tūm	رای
uij	---	---	tāsyā	tahe	tahja	tt(i)ye	وابستگی - برای
'uij- imə	---	---	téna	tā	tanā	ttā/ina ttena	بایی - ازی
'uim- mə	---	---	tāsmīn	aētahmi	tahmi (?)	ttiña ttāña	دری

۱۹. نهادی مفرد مذکر - در ختنی نو، *šai*، *ša'*، *ši'*.

۲۰. رای مفرد مذکر - در ختنی نو، *ttū*. در سغدی، تنها در آغاز جمله مفصل است. برای حالت رای در آسی ← شماره ۲. ضمیر *šu* سغدی، در حکم ضمیر اشاره، به تنهایی در آغاز جمله قرار می‌گیرد (زرشناس، ۱۳۸۷: ۷۴).

۲۱. وابستگی - برای مفرد مذکر - در ختنی نو، *ttya*، *ttye* آمده است. **(ai)tahmāi* ایرانی باستان، *aētahmāi* اوستایی، *tāsmāi*، *etāsmāi* سنسکریت، و *'uim-ən* آسی برای مفردند.

۲۲. بایی - ازی مفرد مذکر - در ختنی نو، *ttina*، *ttina*، *ttini*. همه از حالت بایی ایرانی باستان است. **(ai)tahmāt* ایرانی باستان، *aētahmāt* اوستایی، *tāsmāt*، *etāsmāt* سنسکریت، و *'uim-əz* آسی ازی مفرداند.

۲۳. دری مفرد مذکر - در ختنی نو، *tña*، *tteña* احتمالاً از ایرانی باستان *tanjā*.

جدول ۶. ضمائر اشاره، نوع اول، مفرد مؤنث

	آسی	سغدی	فارسی باستان	سنسکریت	اوستایی	ایرانی باستان*	ختنی
نهادی	---	xā <x>	---	eṣā	aēša hā	(ai)šā	šā ša
رای	---	---	---	tām	taṃ	tām	tto ttu
وابستگی - برای	---	---	---	tāsyās	aētayā	tahjāh	tt(i)ye
بایی - ازی	---	---	---	tāyā	aētaya	ta(n)jā	ttāne
دری	---	---	---	tāsyām	---	taniā (?)	ttiña ttāña

۲۴. نهادی مفرد مؤنث - آسی جنس ندارد.

۲۵. وابستگی - برای مفرد مؤنث - *tahjāi ایرانی باستان، و tāsyāi سنسکریت، برای مفردند.

۲۶. بایی - ازی مفرد مؤنث - *tahiāt ایرانی باستان، و tāsyās سنسکریت، ازی مفردند.

ضمائر اشاره مفرد می‌توانند با ادات تأکید ā ترکیب شوند: >ā + ī + šā.

جدول ۷. ضمائر اشاره، نوع اول، جمع مذکر و مؤنث

	آسی	سغدی	فارسی باستان	سنسکریت	اوستایی	ایرانی باستان*	ختنی
نهادی- رای	ur'don	xā <x>	aitā	té tās	tē tā	tai tāh	ttā tte
وابستگی - برای	ur'don-i	---	---	téṣām tāṣām	aētaēṣam aētayā	tānam	ttānu
بایی - ازی	ur'don' -imə	---	---	tāis tābhis	tāiš aētaya	tāiš tābiš	ttyau
دری	ur'dom-mə	---	---	téṣu tāsu	aētaēṣva	taišu(a) tāhu	tvo ttāvo ttuvo'

* در این جدول، ضمائر اشاره مؤنث در زیر ضمائر اشاره مذکر آورده شده‌اند.

۲۷. نهادی - رای جمع - ttā غالباً برای مذکر و tte برای مؤنث به کار می‌رود؛ همچنین

هر دو برای مذکر و مؤنث به کار می‌روند. در ختنی نو، tti, tte, ttam, tta

۲۸. وابستگی - برایی جمع - در ختنی نو، *taibjah ttām ایرانی باستان، taēibyō اوستایی، tébhyas سنسکریت، برایی - ازی مذکر؛ و *tābjah ایرانی باستان، و tābhyas سنسکریت، برایی - ازی مؤنث هستند. ur'don-ən آسی برایی جمع است.

۲۹. بایی - ازی جمع - در آسی، ur'don-əz ازی جمع است.

جدول ۸. ضمایر اشاره، نوع دوم و سوم، مفرد (ادغام شده و ادغام نشده)

	نوع دوم		نوع سوم	
	مفرد مؤنث	مفرد مذکر	مفرد مؤنث	مفرد مذکر
نهادی	sei(°), šātā	šāša, šā(°)	šārā, šū'rā šā'	šāra
رایی	ttutu ttū	ttuto, ttuo	ttāru	ttāro
وابستگی - برایی	ttātāye, ttiye, ttātānu ttiānu ttātye, ttitātā, ttitātye		ttārye, ttārā, ttūrye	
بایی - ازی	ttātāna	ttātāñe ttāteñe	ttārna	?
دری	ttātāña, tte/iña		ttārña, ttāña	

جدول ۹. ضمایر اشاره، نوع دوم و سوم، جمع

	نوع دوم		نوع سوم	
	جمع مؤنث	جمع مذکر	جمع مؤنث	جمع مذکر
نهادی	ttātā, ttāte, ttete		ttārā/i	ttāre/i
رایی				
وابستگی - برایی	ttātānu, ttiānu, ttiā(ṃ) ttiāṃnā		ttārāṃu, ttūryāṃ	
بایی - ازی	ttātāyyo, ttiyyo		ttāryau	?
دری	ttātuvo'		?	?

۳۰. متصل غیر فاعلی - سوم شخص مفرد در ختنی قدیم yā, ā و در ختنی نو ā ارتباط آن با *T ایرانی باستان نامشخص است. کومل آن را از *im دانسته است (Kümmel, 2008: 15). سوم شخص جمع در ختنی قدیم ñā, ṃ ni, ne و در ختنی نو ã(ṃ). ریشه‌شناسی نامشخص است.

ج) ضمائر ملکی

صفت / ضمیر ملکی مانند اسم‌ها و صفت‌های پایان یافته به -aa- (گستره از -*aka-) صرف می‌شود. اول شخص مفرد: -mānaa-, māmaka-, mamānaa-. اول شخص جمع: -mājaa-, mānia-, mānaa-. دوم شخص مفرد: -tvānaa-. دوم شخص جمع: -umājaa-, umānia-. سوم شخص مفرد و جمع: -ttaka- (Bailey, 1979: 121). حالت وابستگی - برای هر یک از ضمائر اشاره نوع اول می‌تواند در حکم ضمیر ملکی سوم شخص به کار رود. ضمیر مشترک häviya- نیز به‌عنوان ضمیر ملکی برای اول و دوم و سوم شخص مفرد و جمع به کار می‌رود (Emmerick, 2008: 218؛ نیز ← ه- ضمیر مشترک).

د) ضمائر پرسشی، ربطی و نامعین (مبهم)

ضمیر پرسشی -kāma- از ایرانی باستان -katāma* (قس اوستایی -katāma- سنسکریت -katamā-, kathām- سغدی <kt'm> kəθām و آسی kām)، گاه مانند اسم و صفت صرف می‌شود و گاه مانند ضمیر اشاره.

ضمیر ربطی (موصولی) غیر شخصی است و جنس ندارد. برای جاندار ce/kye در حالت‌های نهادی - رایبی و وابستگی - رایبی، از ایرانی باستان *cahyā, *kahyā وابستگی مفرد از -ka* (قس اوستایی و فارسی باستان -ka- سنسکریت -kā- سغدی <ky> kē و آسی ci). tcamāna بایی - ازی، و tcamāña دری مفرد است. برای غیرجاندار cu از ایرانی باستان *kayam نهادی - رایبی مفرد خشی.

ختنی فقط ضمیر نامعین ye/ā/ī را دارد. علاوه بر این، ۱. ضمائر پرسشی و موصولی نیز به عنوان ضمیر نامعین به کار می‌روند. مانند: -kāma-، در صورت تکراری kāmāña-kāmāña: «در هرکدام». ۲. درج ضمیر اشاره میان موصول: kye šā kye: «هرکه» (مفرد)، ce ttā ce: «هرکه» (جمع)، برای جاندار؛ و cu šā cu: «هرچه»، برای غیر جاندار. ضمیر اشاره‌ای که در میان موصول آمده است مفرد یا جمع بودن عبارت را نشان می‌دهد. ۳. با اضافه شدن ادات ju, hanā, buro/ū, halci به موصول، مانند ce ju: «هرکس»؛ cu buru: «هرچه» (Emmerick, 2009: 388). برخی از صفت‌ها نیز به‌عنوان صفت / ضمیر مبهم یا قید به کار می‌روند: -harbiššā-, biššā-: «همه؛ تماماً».

ه) ضمیر مشترک

صرف ضمیر مشترک -häviya- (خود، خویش) همانند صرف صفت است. نیز hvatā از -hva*

tah از -hva: ضمیر مشترک، و پسوند قیدساز -tah*؛ قس پسوند قیدساز -tō- اوستایی و tas سنسکریت. -hāviya از ایرانی باستان -hvapaθya*؛ قس اوستایی -X^vaēpaiθya، سنسکریت -svā- فارسی باستان -(h)uvaipašiya، سغدی <xypδ(δ)> xēpθ. در آسی، ضمائر متصل اول، دوم، و سوم شخص حالت وابستگی به ضمیر مشترک xI (i) اضافه می‌شود (مانند فارسی؛ نیز ← جدول‌های ۱ و ۲): -mā-¹xI- اول خودم (وابستگی، اول شخص مفرد)؛ -nā-¹xI- اول خودمان (وابستگی، اول شخص جمع)؛ -dā-¹xI-s-ən برای خودت (برایی، دوم شخص مفرد)؛ -wā-¹xI-s-ən برای خودتان (برایی، دوم شخص جمع). (Hettich, 2002: 36).

پی‌نوشت

۱. نظر شخصی نگارندگان است.
۲. در سکایی باستان *taniā ← Kümmel, 2008: 15.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۴۸). *دریارهٔ زبان آسی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳). *تاریخ زبان فارسی*، تهران: سمت.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۴). *زبان فارسی و سرگذشت آن*، تهران: هیرمند.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۷). *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: سمت.
- امریک، رونالد (۱۳۸۶). «ختنی و تمشقی». *راهنمای زبان‌های ایرانی*، ترجمهٔ فارسی زیر نظر حسن رضایی باغ‌بیدی، ج ۱، تهران: ققنوس، ص ۳۱۹-۳۵۷.
- بیلی، هارولد (۱۳۸۱). «ادبیات سکایی ختنی». *تاریخ ایران، پژوهش دانشگاه کیمبریج*، ترجمهٔ حسن انوشه، ج ۳، تهران: امیرکبیر، ص ۸۳۱-۸۴۷.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: سخن.
- توردارسن، فریدریک (۱۳۸۷). «آسی». *راهنمای زبان‌های ایرانی*، ترجمهٔ فارسی زیر نظر حسن رضایی باغ‌بیدی، ج ۲، تهران: ققنوس، ص ۷۴۱-۷۷۷.
- زرشناس، زهره (۱۳۸۷). *دستنامهٔ سغدی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۸۳). *فرهنگ سغدی*، تهران: فرهنگان.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۳). *درآمدی بر زبان ختنی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۸). *اصل خلأ یا تهیگی بنابر آموزهٔ بودا*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Asmussen, J. P. (1961). *The Khotanese Bhadracaryādeśanā*, København.

- Bailey, H. W. (1979). *Dictionary of Khotan Saka*, Cambridge University Press.
- Bartholomae, Ch. (1904). *Altiranisches Wörterbuch*, Strassburg.
- Dresden, M. J. (1955). *The Jātakasatva or Prise of the Buddha's former births*, Transactions of American Philosophical Society n.s. 45.2, Philadelphia.
- Emmerick, R. E. (1966). *The Nine new fragments from the book of Zambasta*, <http://www.ihp.sinica.edu.tw/asiamajor>, pp. 148-178.
- Emmerick, R. E. (1967). *The Ten New folios of Khotanese*, <http://www.ihp.sinica.edu.tw/asiamajor>, pp. 1-47.
- Emmerick, R. E. (2008). *An introduction to Khotanese*, ed. M. Maggi, J. S. Sheldon, and N. Sims-Williams, Weisbaden.
- Emmerick, R. E. (2009). "Khotanese and Tumshuqese", *The Iranian Languages*, ed. Gernot Windfür, London & New York, pp. 337-415.
- Gershevitch, I. (1961). *A Grammar of Manichean Sogdian*, Oxford.
- Hettich, B. G. (2002). *Ossetian: Revisiting Inflectional Morphology*, M.A. Tesis, North Dakota.
- Jackson, A. V. W. (1968). *An Avesta Grammar*, London.
- Kent, R. G. (1953). *Old Persian, Grammar, Texts, Lexicon*, New Haven.
- Konow, S. (1932). *Saka Studies*, Oslo.
- Konow, S. (1949). *Primer of Khotan saka*, Oslo.
- Kümmel, M. J. (2008). *Khotansakish*, <http://www.iranica.com/articles/khotan-i-pre-islamic-history#article-comments-overlay>
- Monier-Williams, M. (1899). *A Sanskrit-English Dictionary*, Oxford.
- Pokorny, J. (1959). *Indogermanishes Etymologisches Wörterbuch*, vol. I-II. Bern.
- Quils, C. (2009). *A Grammar of Modern Indo-European*, http://dunguh.org/Indo-European_grammar
- Skjærvø, P. O. (2009). "Old Iranian", *The Iranian languages*, ed. Gernot Windfür, London & New York, pp. 43-95.
- Whitney, W. D. (1964). *Sanskrit Grammar*, London.